



سومین همایش ملی
بانوکمپوزیت
بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC
Islamic World Science Citation Center

CIVILICA

SID

اهمیت حضور اقتصادی و سیاسی حضرت خدیجه (س) در پیشبرد اهداف اسلام

فاطمه سادات حبیبی اشکذری^۱

چکیده

در تاریخ با شخصیت‌هایی وجود دارند که با فداکاری‌های خود خدمات زیادی به جامعه بشری ارائه دادند. یکی از این نمونه‌ها، حضرت خدیجه (س) همسر حضرت محمد (ص) پیامبر مکرم اسلام است. در دوران جاهلیت که برای زن ارزشی قائل نمی‌شدند و زن را ناچیز می‌شمردند، ایشان توانست در اقتصاد و سیاست کشور خود، تأثیرگذار باشد و با لقب‌های طاهره و عقیقه شناخته شود. نقش این بانو در تاریخ اسلام بسیار دارای اهمیت است؛ شخصی که در بحرانی‌ترین دوران در کنار پیامبر (ص) بود و ایشان را یاری کرد. هدف از این پژوهش آشناسان با تأثیر حضور اقتصادی و سیاسی حضرت خدیجه (س) در پیشبرد اهداف اسلام است. پژوهش حاضر به نقش اشتغال و کارآفرینی این بانوی بزرگوار در جامعه خود و مجاهدت‌های اقتصادی ایشان در راه خدا پرداخته است. همچنین جایگاه ایشان در عرصه سیاست قبل و بعد از ازدواج با حضرت محمد (ص) و حمایت‌های ایشان از پیامبر (ص) به گونه‌های مختلف و ولایتمداری ایشان بیان شده است. این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از متون دینی گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه (س)، سیاسی، اقتصادی، پیشبرد، اهداف، اسلام.

۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه فاطمیه اشکذر.

مقدمه

این تحقیق در پی نقش تاریخی حضرت خدیجه (س) است که در تاریخ اسلام بسیار دارای اهمیت است و هیچ کس در اهمیت و تعیین کننده بودن آن در تاریخ اسلام تردیدی ندارد و این موضوع با رجوع به متون تاریخی و احادیث و روایات رخ می نماید و نیز چنین ویژگی شاید با مرور زندگی شخصیتی نظیر حضرت خدیجه (س) به عنوان کسی که ۲۵ سال در بحرانی ترین دوران صدر اسلام در کنار پیامبر (ص) بود، بیش از پیش جلوه گر شود. شخصیتی که با رفتار و منش خود سبب احیاء و گسترش اسلام گردید. به قول شهید مطهری «هنگام مبعث، چهره بانویی را مشاهده می کنیم که در آن وقت سخت مایع تسلی خاطر پیامبر (ص) بوده است و در نهایت صمیمیت، تمام هستی خود را نثار اسلام کرده است. رسول خدا (ص) تا پایان عمر او را فراموش نمی کرد و نامش که برده می شد گاهی اشک در چشمانش حلقه می زد و می گفت: نمی دانید از وقتی مرا تنها گذاشته بودند، این زن چه فداکاری ها کرد.»^۱

این تحقیق تأثیر برخی از سیره و رفتار سیاسی و اقتصادی حضرت خدیجه (س) در پیشبرد اهداف اسلام را مورد بررسی قرار داده است. کتب تاریخی بسیاری مانند تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری، سیره ابن هشام، سیره حلبی، اسدالغابه ابن اثیر، بلوغ الأرب الوسی، بحارالانوار مجلسی و همچنین مقالات بسیاری مانند «القاب و فضائل خدیجه (س) از صاحبی مفرد»، «نخستین بانوی رستگار اسلام از خوش عمل»، «مادر بی همتای عشق از بختیاری» و موارد دیگر به گوشه ای از خصوصیات فردی اجتماعی اقتصادی و سیاسی ایشان پرداختند و ما نیز در این مقاله فعالیت های اقتصادی و سیاسی ایشان را به طور خلاصه جمع کرده ایم تا راه را برای دانش پژوهان هموار کرده باشیم.

اهمیت و ضرورت این پژوهش در این است که بیان می کند خدیجه (س) ثابت کرد که می توان در آن جامعه آفت زده و جاهلی و محیط ناسالم پاکدامن زندگی کرد و از نظر اقتصادی و سیاسی به رشد تعالی بسیار عظیم دست یافت. در این مقاله به نقش اقتصادی حضرت خدیجه (س) که بانوی کارآفرین بوده و همچنین مجاهدت های اقتصادی که در راه خدا انجام داده و تا لحظه آخر از بخشش مال خود در راه اسلام دریغ نورزیده می پردازیم و نیز به حضور سیاسی حضرت خدیجه (س) قبل از اسلام و بعد از ازدواج با حضرت محمد (ص) پرداخته و حمایت هایی که حضرت خدیجه (س) از پیامبر (ص) در دوران اختناق کردند و اعطای جایگاه سیاسی به پیامبر و حفظ جایگاه سیاسی ایشان.

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۴۰۴.

خدیجه در قبل از بعثت در حساس‌ترین شرایط زندگی حضرت محمد(ص) با ایشان ازدواج کرده و ایشان همان طور که قرآن می‌گوید یتیم بوده و در سرپرستی عمومی خود ابوطالب می‌زیست و از مال دنیا هم بسیار تهی دست بود و از هیچ‌گونه موقعیت سیاسی و اقتصادی برخوردار نبود. این خدیجه(س) بود که استعدادها و شخصیت واقعی محمد(ص) در سن جوانی را کشف کرد و تمامی خواستگاران صاحب سرمایه را با شجاعت رد کرد و خودش برای ازدواج مبارک با جوان گمنام پیشقدم شد. ایشان تلاش‌های فراوانی در جهت معرفت شناخت کمالات روحیات و صفات حضرت محمد(ص) انجام دادند که این تلاش‌های مخلصانه می‌تواند موجب ارتقای موقعیت سیاسی ایشان گردد. در راستای تحقق این اهداف ما به بررسی در خصوص زوایای مختلف از زندگی اقتصادی و سیاسی خدیجه(س) با رسول خدا(ص) پرداخته‌ایم و خلاصه‌ای از آن برای افراد جامعه که به دنبال الگوی اقتصادی و سیاسی هستند معرفی کرده‌ایم.

مفهوم‌شناسی حضرت خدیجه(س)

خدیجه دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی القرشیه الاسدیة^۱ مشهور به خدیجه کبری، ام المؤمنین، نخستین همسر پیامبر اکرم(ص) و مادر حضرت زهرا(س) است. خدیجه(س) قبل از بعثت با پیامبر اکرم(ص) ازدواج کرد و اولین زنی است که به پیامبر(ص) ایمان آورد.^۲

پیامبر(ص) در طول حیات او همسری دیگر برنگزید و پس از درگذشت وی همواره از او به نیکی بسیار یاد می‌کرد. کنیه خدیجه ام هند بود او در مکه، حدود سه یا چهار دهه قبل از آغاز بعثت پیامبر اسلام(ص) به دنیا آمد و در همان شهر، در خانه پدرش که فردی از بزرگان مورد احترام قومش و هم پیمان با بنی عبدالدار بن قصی بود، رشد یافت.^۳

منابع تاریخی درباره شخصیت خدیجه(س) پیش از اسلام، گزارش چندانی ارائه نکرده‌اند. آنچه مسلم است که او فردی ثروتمند و تجارت پیشه بود و سرمایه خود را به صورت مضاربه و استخدام افراد برای تجارت به کار می‌گرفت.^۴

۱. ابن اثیر جزری، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۶، ص ۷۸؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸۳.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱.

۴. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۳.

منابع تاریخی به جایگاه بالای اجتماعی و حُسن شهرت او در شرف و نسب اشاره دارند. چنانکه ابن سیدالناس در این باره آورده است: «او زنی شریف و با درایت بود که خداوند خیر و کرامت برای او در نظر گرفته بود. به لحاظ نسب در طبقه متوسط از انساب عرب جای داشت، اما دارای شرافتی عظیم و ثروتی زیاد بود.»^۱ بلاذری نیز از قول واقدی گفته است: «خدیجه (س) بنت خویلد، زنی با اصل و نسب و تاجری ثروتمند بود.»^۲ گزارش‌های متعددی درباره جایگاه خاص حضرت خدیجه (س) نزد پیامبر (ص) وجود دارد. در برخی منابع آمده است که حضرت خدیجه (س) بهترین و صادق‌ترین وزیر، مشاور و مایه آرامش پیامبر (ص) بود.^۳

رسول خدا (ص) از سن ۲۵ تا ۵۰ سالگی، یعنی قریب ۲۵ سال از عمرش را که تمام دوران جوانی آن حضرت بود، با خدیجه گذراند و تا خدیجه زنده بود، با زن دیگری ازدواج نکرد. بعد از درگذشت آن بانوی مکرمه نیز همیشه از او یاد می‌کرد و او را بهترین همسرش می‌دانست. پیامبر (ص) سال‌ها پس از رحلت خدیجه (س) به یاد او بود و بی‌ظنیر بودنش را مطرح می‌نمود. هنگامی که به پیامبر (ص) گفته شد خدیجه (س) بیش از همسری مسن برای شما نبود، پیامبر (ص) بسیار ناراحت شد، با رد این سخن چنین گفت: «خداوند هی‌چگاه برایم همسری بهتر از او جایگزین نکرد، او مرا تصدیق نمود هنگامی که هیچکس مرا تصدیق نکرد، یاری‌ام کرد. در زمانی که هیچکس مرا یاری ننمود، از مالش در اختیارم قرارداد، زمانی که همه مالشان را از من دریغ کردند.»^۴

در یکی از اسناد چنین تاریخی آمده است: خدیجه در زیبایی ظاهر و باطن، زیباترین زن روزگارش بود و از نظر خرد خردمندترین و دانشمندترین آنان. او در پاک‌روشی، دین‌باوری و خداجویی، وقار و حیا و عزت و آزادگی آراسته‌ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان.^۵ او در چنان اوج معنوی بود که «ابوطالب» توحیدگرای «بنی‌هاشم» به هنگام خواندن خطبه عقد ازدواج پیامبر (ص) و حضرت خدیجه (س) که حدود ۱۵ سال قبل از بعثت اتفاق افتاد، جناب خدیجه را بانویی در اوج کمال و بالندگی و خوبی و از هرگونه نقطه نازیبای زمانه به دور وصف می‌کند: «إِنَّ خَدِيجَةَ امْرَأَةً كَامِلَةً مَيْمُونَةً فَاضِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحْذَرُ الشَّنَارَ.»^۶

۱. ابن سیدالناس، عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، ج ۱، ص ۶۳.

۲. بلاذری، الانساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۸.

۳. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۶۱؛ ابن اثیر، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۲۶.

۴. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، ج ۴، ص ۱۸۲۴.

۵. ابن سیدالناس، عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، ج ۱، ص ۶۳؛ ابن کثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۰؛ ابن هشام،

السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹.

۶. بکری، الأنوار فی مولد النبوی، ص ۳۰۸؛ مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع)، ج ۱۶، ص ۵۶.

دهم رمضان سال دهم بعثت نقطه پایان بر ۲۵ سال همراهی خدیجه، بانوی آسمانی با رسول خدا (ص) بود.^۱ خدیجه بعد از ۲۵ سال همراهی و همگامی، در ۶۵ سالگی چشم از جهان فرو بست و رسول الهی را در فراقی جانسوز تنها گذاشت. این واقعه دردناک که به فاصله اندکی از وفات ابوطالب (ع) روی داد، چنان پیامبر اکرم (ص) را متأثر کرد که آن سال را «عام الحزن» نامید. به نقل علامه مجلسی بعد از این واقعه خانه نشین شده و کمتر از خانه بیرون می‌رفت.^۲

جایگاه خدیجه نزد رسول خدا (ص) نیز بسیار جالب و خواندنی است. در روایت رسول خدا (ص)، خدیجه از زنان بهشتی و از بهترین زنان و در کنار حضرت مریم بن عمران و آسیه که قرآن کریم به بهشتی بودن آنان بشارت داده، یاد شده است.^۳ در ثنای او همین بس که رسول خدا (ص) فرمود: «سوگند به خدا که حق تعالی بهتر از او به من نداد. وی ایمان آورد؛ در حالی مردم کافر بودند. مرا تصدیق کرد؛ زمانی که مردم مرا تکذیب کردند. مرا با اموالش همراهی کرد. خداوند مرا از او به فرزندان روزی داد؛ هنگامی که مرا از فرزندان زنان دیگر محروم کرد.»^۴

حضرت خدیجه نیز همواره احترام پیامبر (ص) را رعایت می‌نمود. خدیجه به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم (ص) همواره حرمت او را پاس می‌داشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی‌داد. جلوه‌ای عالی از این رفتار را می‌توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آنگاه که مراسم عقد و جشن پایان یافت و پیامبر می‌خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این‌گونه او را مخاطب قرار می‌دهد: «الی بیتک فبیتی بیتک و انا جاریتک»^۵

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار (ع)، ج ۲۱، ص ۳۵۲.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۲۱.

۳. بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۷۸؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

۴. طبری، محب الدین، الریاض النضره فی مناقب العشره، ج ۱، ص ۱۰۹.

۵. مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار (ع)، ج ۱۶، ص ۴؛ قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۴۱.

اقتصاد

این کلمه در زبان واژه‌شناسان، از ماده قَصَدَ در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی را کردن، خواستن، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن و امثال آن به کار رفته است.^۱ همچنین اقتصاد به معنای اعتدال و میانه‌روی نیز آمده است.^۲

خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب «العین» در بیان مفهوم «اقتصاد» گفته است: قصد به معنای استقامه الطریق، یعنی پایداری در راه است. میانه‌روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه «تقصیر» و سخت‌گیری.^۳ راغب در مفردات می‌گوید: «اقتصاد به معنای اعتدال در امور است بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع» همچنین در لسان‌العرب، عمده معنای «اقتصاد» همان اعتدال و میانه‌روی ذکر شده است.^۴ در آیه «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ»^۵ نیز به همین معنی آمده است.

اقتصاد در اصطلاح علم اقتصاد به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به کار می‌رود.^۶

ارسطو: علم اقتصاد یعنی مدیریت خانه.

آدام اسمیت: اقتصاد علم بررسی ماهیت علل ثروت است.

استوارت میل: اقتصاد عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع.^۷

بنابراین، علم اقتصاد، دانشی است که به تخصیص بهینه کالاها و فرآورده‌ها می‌پردازد؛ علمی که به تشریح حیات اقتصادی و پدیده‌های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آن‌ها توجه دارد.

۱. آذرنوش، فرهنگ معاصر (عربی - فارسی)، ص ۵۴۴، واژه «قصد».

۲. طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۲۷.

۳. فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۵۴.

۴. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۷۲، واژه قصد.

۵. لقمان: ۱۹.

۶. آقا نظری، نظریه‌پردازی علمی اقتصاد اسلامی، ص ۳۹.

۷. فدیر، خودآموز اقتصاد، ص ۸.

مفهوم شناسی سیاست

سیاست واژه‌ای عربی از ریشه «ساس یسوس» گاهی به معنای «خلق و خو»^۱ و غالباً در معنای «ریاست و تدبیر امور»^۲ آمده است. لغت‌شناسان فارسی نیز در تعریف سیاست گفته‌اند: «سیاست به معنای پاس داشتن ملک، حکم-راندن بر رعیت، حکومت، ریاست و داوری کردن است»^۳.

در اصطلاح علوم سیاسی نیز هر امری که مربوط به مدیریت، دولت، حکومت و چگونگی فعالیت آنان در اداره جامعه، از جمله «امور سیاسی» است.^۴

برخی اعتقاد دارند که: «نظام سیاسی عبارت است از مجموعه‌ای از سازمان‌های اجتماعی که برای تأمین روابط طبقات اجتماعی و حفظ نظام جامعه به وجود می‌آیند»^۵.

باید توجه داشته باشیم که گرچه معنای لغوی سیاست، اداره کشور براساس مصالح آن است؛ ولی هر گروه و حزبی براساس اندیشه‌های خود راجع به انسان و جهان، قیودی بر این تعریف افزوده و یا کم کرده‌اند. بر این اساس با توجه به دیدگاه اسلام درباره انسان و جهانی که مبدأیی به نام الله دارد که او جهان را برای رسیدن به اهدافی خلق کرده است. وظیفه سیاستمدار اسلامی این است که باید برای اداره جامعه براساس ارزش‌های دینی و هدایت جامعه به سوی صراط مستقیم است.^۶

حضور اقتصادی حضرت خدیجه در پیشبرد اهداف اسلام

اسلام پس از فرود بر قلب و زبان پیامبر(ص)، با دو عامل اساسی، بسط و گسترش و پایداری یافت؛^۷ جهاد و فداکاری همه جانبه امیرمؤمنان علی(ع) و دیگر، ثروت و امکانات و حمایت‌های گسترده حضرت خدیجه(س)، مثلث مبارکی که باعث پیشرفت و گسترده‌گی اسلام در سراسر گیتی شدند، عبارت بودند از:

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۱۰۹؛ صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۸، ص ۴۱۵.

۲. زمخشری، اساس البلاغه، ص ۳۱۳.

۳. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، مدخل سیاست.

۴. عالم، بنیادهای علم سیاست، ص ۳۳.

۵. آقایی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۴۵.

۶. مرتضوی، مروی بر نهج البلاغه، ص ۱۳۱.

۷. کنانی، بی تا، ص ۱۱۲.

۱. وجود مقدس پیامبر اکرم (ص)،
۲. امام امیرمؤمنان علی (ع)،
۳. ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (س).

به این معنا که قلب و وجود مبارک رسول خدا (ص)، شایستگی دریافت وحی و وظیفه خطیر رسالت را داشت. امیرمؤمنان علی (ع)، با شجاعت و توانمندی بی نظیرش، اسلام را قدرت بخشید و حفظ نمود. حضرت خدیجه (س) نیز تمام مهر، محبت و ثروتش را به پیامبر (ص) بخشید، حال آنکه احساس بخشش نمی کرد، بلکه احساس دریافت سعادت و خوشبختی می نمود! پس وجود مبارک حضرت خدیجه (س) با ایثار، عطوفت و مهربانی بی نظیر خود، حامی رسول خدا (ص) بود و با انفاق مال خویش در راه استحکام و تحکیم اسلام، موانع و مشکلات را از راه مسلمانان کنار زد. روی این جهت، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «دین اسلام برپا و مقاوم نشد، مگر به دو چیز؛ اموال خدیجه و شمشیر علی»^۱.

اشتغال و کارآفرینی حضرت خدیجه (س)

مورخان و حدیث شناسان نقل کرده اند که حضرت خدیجه (س) چهارصد کارگزار خدمه و ناظر ویژه در اختیار داشت که امور را اداره و نظارت می کردند. ایشان با وجود این همه دارایی و تجارت گسترده هیچگاه به اموال و شکوه اجتماعی خود دل نبستن و ضمن اینکه نمونه بارزی از زهد و بی رغبتی را در این عرصه به نمایش گذاشت با سخاوتی ستودنی و فروتنی فوق العاده ای افراد درمانده و محروم را تحت حمایت خویش قرار داد.

مردان بیکار و معمولاً از طبقات فقیر و کم درآمد که از خود سرمایه ای نداشتند ولی دارای توانایی در فعالیت های تجاری و ارتباطی بودند، در امور اقتصادی حضرت خدیجه (س) به کار گرفته می شدند و در ازای توانایی خود حقوق کافی دریافت می کردند و سود و زیان معاملات مربوط به خود ایشان بود.

این روند دو فایده داشت: نخست اینکه با به وجود آمدن فرصت های شغلی خانواده ها را امیدوار می ساخت و دوم اینکه کارگران خود را با قوانین و راه و رسم بازرگانی درون مرزی و منطقه ای آشنا می ساخت تا بتوانند بعدها روی پای خود بایستند و با استقلال اقتصادی به تلاش های خود در این قلمرو ادامه دهند.

۱. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۷؛ سیلاوی، الانوار الساطعه، ص ۱۶۶؛ حائری مازندرانی، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۳؛ «ما قام ولا استقام الدین الا بسیف علی و مال خدیجه».

به علاوه اشتغال صدها جوان انسان‌های فعال در زمینه‌های تجاری جلوی عادت‌های زشت و درآمدهای حرام غارتگری و رباخواری را می‌گرفت و از این رهگذر زندگی مردم از آلودگی‌های گوناگون و سوء استفاده‌های مالی مصون می‌ماند. این بانوی بزرگ قریش با افرادی قرارداد منعقد می‌ساخت که از مقداری سرمایه برخوردار بودند.

او با آنان در مال‌التجاره شریک می‌شد، هر چند سهم افزون‌تر مربوط به حضرت خدیجه (س) بود، سپس کارگزاران را در سود حاصل از اموال تجاری سهیم می‌کرد. اگر با پول او سودی به دست می‌آمد هم او و هم عاملانش از آن بهره‌مند می‌گردیدند و اگر متحمل خساراتی می‌شد می‌کوشید جور شریکان را به تنهایی تحمل کند.^۱

حضرت خدیجه (س) در این فعالیت اقتصادی قابل توجه تمامی بدهکاران عوامل اجرایی خدمه رابطین و ناظران را از میان انسان‌های سالم امانتدار درستکار و ریشه‌دار برمی‌گزید و به همان گزینش اولیه اکتفا نمی‌کرد و چنین کاروان عظیمی را به انگشت تدبیر و درایت خویش مدیریت می‌کرد و چنان بر آنان نظارت داشت که مبادا دچار فساد خطا رشوه‌خواری و سوء استفاده و کج‌روی گردند و مورخان و روایان حتی نمونه‌ایی از خلافتکاری در این مجموعه وسیع گزارش نکرده‌اند.

او برای افزایش توانمندی کارکنان و ایجاد رقابتی سالم و ثمربخش و تقویت انگیزه‌های کارگزاران برنامه‌هایی ویژه را به اجرا می‌گذاشت و هدایا و تحفه‌هایی را به کارکنان با بازدهی مؤثر اختصاص می‌داد.^۲

رسول اکرم (ص) در مقام حق‌شناسی از بخشش و بزرگ‌منشی این بانو فرموده‌اند: «من کارفرمایی مهربانتر و حق‌شناس‌تر و بهتر از خدیجه (س) نسبت به خدمه‌اش ندیده‌ام. هرگاه من و دوستم پس از کار و تلاش و انجام مأموریت نزدش می‌رفتیم، غذای گوارایی که به اشاره او برایمان تدارک دیده شده بود به ما می‌دادند. او با خدمه و زیردستان بزرگوارانه و براساس کرامت انسانی رفتار می‌کرد.»^۳

سخاوت و انفاق بی بدیل

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۰-۱۹۹؛ مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع)، ج ۱۶، ص ۲۲؛ قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۴-۲۳، ذیل واژه «خدج».

۲. همان.

۳. مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع)، ج ۱۶، ص ۱۰؛ مقاله: بازخوانی برخی فضائل حضرت خدیجه کبری، غلامرضا گلی زواره.

ثروت حضرت خدیجه (س) در آن دوران زبانزد خاص و عام بود. ثروت این بانوی کاردان و عاقل به قدری زیاد بود که مالداران درجه یک قریش چون «ابوجهل» و «عقبه بن ابی معیط» در نزد او ناچیز به شمار می‌رفتند.

مورخان ثروت خدیجه (س) را بدین ترتیب شمرده‌اند:

۱. هزاران شتر که اموال تجارتهی او را حمل می‌کردند.
۲. قبه‌ای از حریر سبز با طناب‌های ابریشمی بر بام خانه‌اش افراشته بود. این امر نمایانگر ثروت فراوان او بود و فقرا نیز از روی این علامت برای استعانت و کمک مراجعه می‌کردند.
۳. چهارصد غلام و کنیز که خدمات ارجاعی او را انجام می‌دادند.^۱

پس ازدواج با پیامبر اکرم (ص)، حضرت خدیجه (س) تمامی این ثروت را در اختیار رسول خدا (ص) قرار داد و عرض کرد: «الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ أَنَا أُمَّتُكَ؛ خانه، خانه تو و من هم کنیز تو هستم.»^۲

ورقه بن نوفل عموی ام المومنین حضرت خدیجه (س) بعد از این قضیه کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت: «ای عرب! بدانید که خدیجه شما را شاهد می‌گیرد که خود همه ثروتش را از غلامان و کنیزان، املاک، دام‌ها، مهریه و هدایایش را به محمد (ص) بخشیده است و همه آن‌ها هدیه‌ای است که محمد (ص) آن را پذیرفته است و این کار حضرت خدیجه (س) به خاطر علاقه و محبت او به محمد (ص) است شما در این باره گواه باشید و گواهی دهید.»^۳

و پیامبر اکرم (ص) نیز از این اموال برای پیشبرد اسلام و اهداف آن نهایت استفاده را برد و به همین جهت خود آن حضرت فرمود: «هیچ ثروتی هرگز مانند ثروت خدیجه به من سود نرساند.»^۴

مجاهدت اقتصادی در راه خدا

پس از نازل شدن آیه «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»^۵ دعوت پیامبر اکرم (ص) شکل دیگری به خود گرفت و این بار تمام مردم مخاطب قرار گرفتند. با تغییر فعالیت‌های حضرت و زیرسؤال رفتن بت‌ها و

۱. مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار (ع)، ص ۶۳.

۲. خدیجه کبری، نمونه زن مجاهد مسلمان.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۳.

۴. مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار (ع)، ج ۳۷، ص ۴۳.

۵. حجر: ۹۴.

بت پرستی مشترکان آنها نیز جبهه گیری جدید و شدیدتری نشان دادند و در مقابل ایشان صف آرایی کرده به مخالفت و فشار برای جلوگیری از رسیدن پیام الهی به گوش ها و قلب ها پرداختند.

اما وقتی پس از ابلاغ رسمی دین توسط پیامبر اکرم (ص) کفار مکه دیدند نمی توانند به راحتی جلوی کارها و فعالیت های حضرت و مسلمانان را بگیرند، شورایی تشکیل دادند و تصمیم گرفت مسلمانان را در محاصره اقتصادی و اجتماعی قرار دهند و بدین وسیله آنان را نابود کند. در این زمان به پیشنهاد حضرت ابوطالب (ع) و پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان به منطقه شعب ابوطالب رفتند. بنی هاشم در این تحریم برای تهیه غذا و آذوقه محتاج مال و ثروت بودند و بهترین منبع و ثروت برای نجات آنان مال پربرکت حضرت خدیجه (س) بود که در کمک به پیامبر (ص) در آن شرایط بسیار سخت و جانکاه نقش بسزا و مؤثری داشت. چنانکه پیامبر (ص) فرمود: «هیچ مالی مثل حضرت خدیجه (س) به من سود نرساند.»

حضرت خدیجه (س) اموال خود را در خدمت اسلام و مسلمین قرار دارد و آنها را پشتیبانی کرد او که ایمان تا عمق جانش نفوذ کرده بود. غنا، جاه، آسایش و آرامش خود را رها کرد و به فقر حرمان انکار و بی عاطفگی و تحریم اقتصادی راضی و همراه بنی هاشم وارد شعب شد.

پیامبر (ص) از اموال خدیجه (س) بردگان تحت شکنجه را خریداری می نمود و بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می کرد به بینوایان و تهیدستان کمک می کرد و مسلمانانی را که از مکه به مدینه هجرت می کردند و مشرکان اموال آنها را مصادره می نمودند با مال خدیجه بی نیاز می نمود تا خود را به مدینه برساند.

هنگامی که حلیمه مادر رضایی حضرت محمد (ص) به مکه آمد و قحطی و خشکسالی آن ۱۵ سال قبل از بعثت شکایت کرد، رسول الله آنها را بی نیاز نمود و به سوی قبیله شان «بنی اسد» روا ساخت.^۱

آخرین مال

اموال حضرت خدیجه (س) به عنوان ابزاری مناسب از همان ابتدا در خدمت اسلام و پیشرفت آن قرار گرفت. جالب اینکه آخرین بخش از دارایی خدیجه (س) توسط امیرمؤمنان (ع) در سفر هجرت به مدینه صرف شد. پیامبر اکرم (ص) سه شبانه روز در غار ثور ماند. امیرمؤمنان (ع) نیز شبانه خود را به غار رساند و آذوقه و لوازم سفر را آورد. در آنجا حضرت به علی (ع) فرمود: «امانت های زیادی نزد من است، به بالای ابطح (تپه ای در مکه) برو و

۱. مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۱۵، ص ۴۰۱ «و فی الأخیار أن حلیمة قدمت علی رسول الله، بمكة و قد تزوج بخدیجة فشکت إليه جذب البلاد و هلاک الماشیة فکلم رسول الله، خدیجة فأعطتها أربعین شاة و بعیراً و انصرفت الی أهلها، ثم قدمت علیه بعد الإسلام فأسلمت هی و زوجها»؛ شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۸۴.

صبح و شب با صدای بلند بگو: هر کسی نزد محمد امانت و یا ودیعه‌ای دارد بیاید و تحویل بگیرد. یا علی! بعد از این با هیچ حادثه‌ای ناگوار مواجه نخواهی شد. تا اینکه نزد من بررسی امانت‌های مردم را آشکارا تحویل بده. ای علی! تو را سرپرست دخترم فاطمه قرار دادم و خدا را مراقب شما از آخرین باقیمانده اموال خدیجه برای خود و فاطمه و هرکس از بنی هاشم که قصد همراهی با شما را دارد شتر و زاد و توشه بخر و بعد از رد امانت‌ها، دیگر درنگ نکن.»

ابوعبیده (نوه عمار یاسر) می‌گوید: «فرزند ابی رافع این مطالب را به نقل از پدرش گفت. من پرسیدم: مگر رسول خدا(ص) مال و ثروتی قابل توجه داشت که دو شتر برای سفر خودش خرید و به امیرمؤمنان هم سفارش کرد زاد و توشه دیگر مهاجران را تهیه کند؟ ابی رافع پاسخ داد: پدرم گفت: پیامبر(ص) فرمود: هیچ مالی و ثروتی برای من سودمندتر از اموال خدیجه نبود. ابی رافع افزود: پدرم گفت: از آخرین موارد مصرف اموال خدیجه خرید زاد و توشه برای مسلمانان مستضعف بود که قصد داشتند به مدینه هجرت کنند. سفر اکثر مسلمانان با اموال خدیجه ممکن شد. آخرین آن‌ها هم قافله‌ای بود که امیرالمؤمنین(ع) آن را سرپرستی کرد.»^۱

حضور سیاسی حضرت خدیجه(س) در پیشبرد اهداف اسلام

در جامعه جاهلیت زنان برخی از نقش‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی را دنبال می‌کردند و در شئون مختلف جامعه مشارکت مهمی داشتند و خدیجه(س) که در چنین محیطی زندگی می‌کرد، حضور سیاسی مؤثری در جامعه داشت.

نگاهی اجمالی به موقعیت سیاسی حضرت خدیجه(س) قبل از اسلام

زنی پاکدامن

خدیجه(س) آنقدر پاک‌دامن بود که در زمان جاهلیت او را طاهره و مبارکه و سیده زنان می‌خواندند و این نشان‌دهنده پاکدامنی او در هنگام بی‌همسری‌اش در آن محیط فاسد و آلوده می‌باشد.^۲ برخی از تاریخ‌نگاران در کتاب خود نوشته‌اند: «نامش در جاهلیت طاهره بوده است.»^۳

۱. مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار(ع)، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲. ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۹۹.

۳. مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار(ع)، ج ۱۶، ص ۵۶؛ نویری، نهیة الأرب فی فنون الإداب، ج ۱۸، ص ۱۷۰؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱؛ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۷؛ «وَكَاثَتْ خَدِيجَةَ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَّةِ الطَّاهِرَةَ».

دستگیر یتیمان و بینوایان

شخصیت خدیجه (س) در عصر جاهلیت به گونه‌ای بود که همه مردم و بزرگان مکه می‌دانستند که ایشان از یتیمان به طور مستقیم حمایت می‌کرد. بنابراین به او لقب «أُمُّ الْيَتَامَى» داده بود. علاوه بر آن درب خانه ایشان به روی بینوایان هم باز بود و آنان هم از محبت و کمک وی بهره‌مند می‌شدند و لذا به او «أُمُّ الصَّعَالِیک» هم می‌گفتند.^۱

فردی باسواد و ادیب بزرگ عرب

در جامعه جاهلیت تعداد افراد کمی علم خواندن و نوشتن داشتند. بنابراین صاحبان این نعمت از جایگاه سیاسی خوبی در بین مردم برخوردار بوده و مردم برای آنان احترام خاصی قائل بودن، فلذا یکی از القاب آن حضرت «فاضله» است یعنی زنی که دارای دانش و قدرت خواندن و نوشتن است صاحب الغدیر، او را در شمار سرایندگان نامدار شمرده و بر این عقیده است که آن بانوی معظم دارای قریحه‌ای لطیف و ذوقی ظریف بود و اشعار و قصیده‌های مشحون از ظرافت‌های ادبی و معنوی او در وصف رسول خدا (ص) حدود ۱۵ سال قبل از بعثت سروده شاهد گویای این مطلب است.^۲

دارای کمالات و اندیشه

در کتب سیره آمده است: «همانا خدیجه از زیباترین زنان بود. عقلش کامل‌ترین عقول، نظرش تمام‌ترین آراء در میان زنان بود. عفت و دینداری و حیاء و مروت و مال... او زبازد همه زنان و بیشتر از آنان بود.»^۳

قدرت مدیریت و سازماندهی

خدیجه (س) به دلیل بینش و منش مترقی و ویژگی‌های اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه‌ای را به دست آورده و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم گشود و آنگاه موفقیت بود که از پی موفقیت دیگر و سود سرشار بود که از پی سودی دیگر می‌رسید و کاروان تجاری او بود که مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و... قرار می‌گرفت.^۴

۱. مهدی پور، سرچشمه کوثر ام المؤمنین خدیجه کبری، ص ۱۵.

۲. امینی، الغدیر فی کتاب و السنه و الادب، ج ۲، ص ۱۷.

۳. محلاتی، ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۴؛ «كَانَتْ خَدِيجَةَ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ، جَمَالاً وَ أَكْمَلَهُنَّ عَقْلاً وَ أَتَمَّهُنَّ رَأْياً وَ أَكْثَرَهُنَّ عِفَّةً دِیناً وَ حِیَاءً وَ مُرُوءَةً وَ مَالاً...».

۴. ابن جوزی، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۳۰۲-۳۰۰؛ تهرانی، خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری، ص ۴۵۶.

جایگاه سیاسی حضرت خدیجه (س) بعد از ازدواج با رسول خدا (ص)

اگرچه خدیجه (س) در دوره جاهلیت از جایگاه اجتماعی و سیاسی خاص و قابل توجهی برخوردار بود، بعد از ازدواج با محمد (ص) در حالی که تنها ۲۵ سال از سن او سپری شده بود و برای خدیجه (س) هم سال‌های متفاوتی را ذکر کرده‌اند، توانست یک جوان که از جهت مالی تهی دست بود و در سنین کودکی پدر و مادرش را از دست داده بود و تحت سرپرستی پدر بزرگ و عمویش رشد و نمو یافته بود، بنابراین پیمان ازدواج با یک سرشناس مکه که خواستگاران ثروتمند بسیاری را رد کرده بود و به سبب آشنایی به آینده رسول خدا (ص) خود برای ازدواج با ایشان پیش قدم می‌شود و تعجب همگان را بر می‌انگیزد. در این دوره هم، نقش سیاسی خدیجه (س) به خوبی مشهود است که برخی از اهم موارد عبارتند از:

اعطای جایگاه سیاسی به حضرت محمد (ص) با بخشش تمام اموال خود به ایشان

خدیجه (س) که از جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار بالایی برخوردار بود، طبق گزارش اکثر تاریخ-نگاران ۱۵ سال پیش از بعثت با محمد (ص) که جوانی ۲۵ ساله بود، ازدواج نمود و طبق رسم عرب جاهلی وقتی پیمانی بین قبایل به وجود می‌آمد، فرد به آن قبیله تعلق داشت و از جایگاه آنان هم برخوردار می‌شد، بنابراین خدیجه (س) اولین کاری که بعد از ازدواج انجام داد، تمام اموال و دارایی خود را به ایشان بخشید و به عموزاده خود هم گفت، در ملاءعام اعلام کند که خدیجه (س) تمامی اموال و دارایی خود را به محمد (ص) بخشیده است، تا اینکه همه بدانند، محمد (ص) هم جزء ثروتمندان مکه است، بنابراین با چنین کاری ایشان را هم از جایگاه سیاسی برخوردار نمود.

صاحب بحار الانوار آورده است: «خدیجه (س) بانوی بزرگ و با اقتدار قریش، شما را به گواهی می‌طلبد که خودش ثروت و سرمایه‌اش و همه خدم و حشم و جمیع مایملک خود و چهارپایان و صدق و مهریه و هدایایی را که از گوشه و کنار به او رسیده است، همه را به محمد (ص) بخشیده و در ملک خاص او قرار داده است تا تجلیل شایسته‌ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و مورد تعظیم و تکریم واقع شود.»^۱

این تصمیم خدیجه (س) از جهاتی بزرگتر از تصمیم نخستین او برای ازدواج با محمد امین (ص) بود. همه بدخواهان را منکوب کرد و زبان‌های طعن و استهزاء را برید و زمینه را به نفع محمد امین (ص) و پیامی که از طرف خداوند خواهد داشت آماده ساخت.

۱. مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، ج ۱۶، ص ۷۱.

حفظ جایگاه سیاسی با معاف نمودن محمد(ص) از فعالیت‌های اقتصادی

خدیجه(س) محمد(ص) را از زحمت اداره اموال خویش معاف داشت و مانند سابق، این کار را شخصاً به عهده گرفت تا او فرصت کافی برای تفکر و تأمل در امور مربوط به خود را داشته باشد و شاهد بر این مطلب آن است که محمد(ص) قبل از آنکه مبعوث به رسالت و نبوت بشود، اغلب اوقات در غار حرا به سر می‌برد و تمام ماه مبارک رمضان را در این نقطه می‌گذراند و در غیر این ماه هم برای دوربودن از غوغا و برای تفکر و عبادت به آنجا پناه می‌برد.^۱

خدیجه ملکه بطحاء و مهتر بانوی قریش

شرافت حضرت خدیجه(س) تنها به اصالت‌ها و نجابت‌های خانوادگی خلاصه نمی‌شد، بلکه خود موصوف به صفات نیک و خلق نیکو بود و آن حضرت را به خاطر داشتن این ویژگی‌ها می‌ستودند و از این رو خدیجه(س) معروف و مشهور به «ملکه بطحاء» شد.^۲

شخصیت خدیجه(س) در عصر جاهلیت چنان چشمگیر و مورد احترام خاص و عام بود که او را به عنوان «سیده النسوان»، «سرور بانوان» می‌خواندند.

صاحب «البدایه و النهایه» می‌گوید: «خدیجه(س) در نصب و قبیله متوسط بود و در شرافت و بزرگواری بزرگتر از همه و در مال و مکنت از همه ثروتمندتر.»^۳

زرقانی از علمای اهل سنت می‌گوید: «او خدیجه(س) سرور بانوان قریش خوانده شد.»^۴ «ابوعلم» که از علما اهل سنت است می‌گوید: «بانو خدیجه(س) در جاهلیت به طاهره و سرور زنان قریش خوانده می‌شد.»^۵

۱. سبحانی، فروغ ابدیت، ص ۲۱۳.

۲. محلاتی، ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۷.

۳. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۴؛ ابن هشام حمیری، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹؛ محلاتی، ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۷؛ «... کانت أوسط نساء قریش نسباً و أعظهن شرفاً و اکثرهن مالاً».

۴. زرقانی مصری مالکی، شرح المواهب اللدنیه بالمنح المحمدیه، ج ۱، ص ۱۹۹؛ «و کانت تسمی سیده نساء قریش».

۵. ابو علم، فاطمه الزهراء، ص ۳۶؛ «و کان السیده خدیجه تسمی فی الجاهلیه بالطاهره، و سیده نساء قریش».

شخصیت سیاسی خدیجه (س) همراه با شجاعت و شهامت بود

خدیجه (س) همراه و همپای محمد (ص) در گذر زمان پیشرفت دردها و رنج‌ها را شهامت‌مندانه به جان خرید و پایداری ورزید و شجاعانه ایستادگی نمود و از روز آشنایی با ایشان تا بعثت همیشه و همه جا از مال و جان و اعتبار مایه گذاشت و از پشتیبانی همسر خود دریغ نورزید و در این راه از پای ننشست و لحظه‌ای از زخم‌زبان‌های زنان و مردان جاهلی نهراسید و با همه وجود نشان داد که در راه حق و عدالت خالصانه و روشنگرانه و شهامت‌مندانه در برابر بیداد می‌ایستد.^۱

تصدیق و تأیید پیامبر (ص) در دوران اختناق

نیاز به پیرو و یار و یاور برای آغاز هر انقلاب و نهضت‌ها است. رهبران انقلاب برای پیشبرد اهداف انقلاب نیازمند یاور، اعضا و امت هستند. در انقلاب جاودانه پیامبر مهر و رحمت، به اتفاق مورخان حضرت خدیجه (س) به همراه حضرت علی (ع) اولین کسانی بودند که به آن حضرت ایمان آوردند و در این راه تمام سختی‌ها را به جان خریدند. روشن است که اعلام ایمان و پیروی در آغاز انقلابی که رهبر آن هیچ قدرت و ثروتی ندارد و حتی در ظاهر، امید هیچ پیروزی نیز در کار نیست، خود بزرگترین حمایت برای رهبری آن انقلاب به شمار می‌رود.

هنگامی که پیامبر (ص) به رسالت مبعوث گردید و تا مدت سه سال دعوت پنهانی آن حضرت، تنها چند نفر محدودی از خاندان ایشان اسلام آوردند. در میان مردان، نخستین شخص، حضرت علی (ع) و از میان زنان، خدیجه (س) اولین فردی بود که به پیامبر (ص) و آرمان‌های او ایمان آوردند.^۲

حضرت خدیجه (س) ضمن ایمان به نبوت و اهداف رسول خدا (ص)، از اطلاعات ارائه شده تاریخی در مورد خدیجه (س) بیانات پیامبر (ص) با او پس از نزول نخستین آیات الهی در غار حرا و اطمینان خدیجه (س) به وی است.^۳

بنابر شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه عصر جاهلی، اسلام حضرت خدیجه (س)، نیروی تبلیغی رسول خدا (ص) را بالا برده و راهکاری مناسب برای برون‌رفت از مشکلاتی را فراهم آورد که اسلام‌نیابردن برخی نزدیکان پیامبر (ص) برای آن حضرت به وجود آورد. حضرت خدیجه (س) نه تنها ایمان آورد که ایمانش را در شرایط خفقان آن روز علنی بیان می‌ساخت. کیفیت حضور خدیجه (س) در نماز همراه رسول خدا (ص) علاوه بر

۱. تهرانی، خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری، ص ۲۴۸-۲۴۷.

۲. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۸؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵.

۳. همدانی، سیرت رسول الله، ج ۲، ص ۴۵.

آنکه مایه خوشحالی و آرامش خاطر پیامبر (ص) بود، زمینه توسعه و ترویج فرهنگ اسلام نیز به ویژه در بین جامعه زنان را فراهم ساخت. از این رو موضوع پذیرش اسلام در سال‌های جهل و گمراهی و نیز تقیه شدید در شرایط خوفناک و وحشتناک آن عصر خود رفتار معنادار و هدفدار است.

برخورد ارزشی نسبت به پیامبر (ص)

یکی از مهمترین ویژگی حضرت خدیجه (س) نسبت به پیامبر (ص)، درک و برخورد ارزشی با پیامبر (ص) در برابر فریندگی‌های ظاهری و دنیوی است. حضرت خدیجه (س) معنای کمالات انسانی را به خوبی درک نمود و توانست آن را در وجود پیامبر اکرم (ص) بیابد. از این رو حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را فدای رسول خدا (ص) کند. او در این راه هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی‌اش. خدیجه (س) برای درک این کمال واقعی، قالب‌های جاهلی را شکست و بهایی سنگین از جمله قطع رابطه زنان، حتی تا زمان تولد حضرت فاطمه (س) را به جان خرید. خدیجه (س) این نوع نگرش خود را هنگام ابراز تمایل به ازدواج، اینگونه با پیامبر (ص) مطرح کرد: «ای پسرعمو، من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم، امانتداری، خوش خلقی و راستگویی‌ات به تو تمایل پیدا کردم»^۱

این نوع نگرش و رفتار، در جامعه‌ای که عموم توده‌ها بر اساس ظواهر و زرق و برق‌های دنیوی روابط خود را پایه‌ریزی می‌کنند، نمی‌توانست بدون پیامدهای تلخ و ناگوار باشد، لذا به فاصله‌ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب‌جویی از وی روی آوردند و در محافل خود او را سرزنش کردند. آنان می‌گفتند: «او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که جوانی فقیر است ازدواج کرد. چه ننگ بزرگی!» خدیجه (س) در مقابل این جهالت‌ها ساکت نشست و آن‌ها را به صرف نهار دعوت کرد و بعد از پایان مراسم گفت: «ای زنان! شنیده‌ام شوهران شما (و خودتان) در مورد ازدواج من با محمد (ص) خرده گرفته‌اید و عیب‌جویی می‌کنید، من از خود شما می‌پرسم آیا در میان شما، شخصیتی مثل محمد (ص) وجود دارد؟ آیا در گستره مکه و اطراف آن شخصیتی در فضائل و اخلاق نیک، مانند او سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی‌ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است. پس شایسته نیست شما این‌گونه سخن بگویید و نسبت‌های ناروا به

۱. ابن هشام، سیره نبوی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۲۱؛ «یابن عم انی رغبت فیک لقرابتک و سعلتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک».

دیگران دهید.» زنان قریش بعد از این سخنان خدیجه (س)، همگی سکوت اختیار کردند و به تدریج پراکنده شدند.^۱

حضرت خدیجه (س) با این همه سختی و فشار، خم به ابرو نمی آورد و در تمام دوران زندگی قبل و بعد از بعثت به سان بانویی شفیق، برگردد وجود پیامبر (ص) می گشت و با سیمای خندان خود غم‌ها را از رخ پیامبر (ص) می زدود و در این بین به سان یاور، وزیر و کمک‌رسانی توانمند او را یاری می کرد. ابن هشام می نویسد: خدیجه (س) به پیامبر (ص) ایمان آورد، گفتارش را تصدیق کرد و او را یاری داد. خداوند به وسیله او به پیامبرش آرامش داد به نحوی که هیچ خبر ناراحت‌کننده‌ای از قبیل رد و تکذیب را نمی شنید مگر اینکه خداوند به وسیله خدیجه (س) گشایش برایش ایجاد می کرد. وقتی خدا پیامبرش را به خدیجه (س) برمی گرداند، دشواری‌ها را بر او آسان می کرد و تصدیقش کرده، اعمال مردم را (که موجب آزار شده بود) بی اهمیت جلوه می داد.^۲

خدیجه (س) دارای ویژگی و کمالات فراوان است که او پیامبر (ص) را دلداری می داد، به او امید می بخشید و در برابر بی مهری و خشونت، پناهش می داد و غرق مهرش می ساخت و مدیر داخلی کانون گرم و باصفایی بود که پیامبر (ص) از آن سنگر، به تسخیر کشور دل‌ها کمر همت بسته بود و بدین جهت، مشاور آگاه و وزیر خردمند و شجاع پیامبر (ص) بود.

ولایت‌مداری حضرت خدیجه (س)

دفاع از اصل رهبری و پیشوایی برای اداره جامعه و همچنین قبل از آن اعتراف به ولایت و جانشینی یکی از مهمترین نشانه‌های رفتار سیاسی پیروان هر مکتب به حساب می آید. زیرا بعد از رهبر اختلاف در جانشینی بسیار در جوامع اتفاق می افتد. در این میان رابطه حضرت خدیجه کبری نخستین همسر رسول خدا با امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) رابطه مادر و فرزندی بود. این دو مانند مادر و پسر، در تمام جریان مکه اعم از خوشی‌ها و تلخی‌های زندگی رسول خدا (ص) همواره در کنار آن حضرت با او بودند.^۳

مسئله پذیرش امامت و ولایت امیرالمؤمنین (ع)، همان‌طور که می دانیم واقعه غدیر خم و آیه مربوط به مسئله ولایت امیرالمؤمنین (ع) در سال‌های آخر رسالت پیامبر اکرم (ص) نازل شد و حضرت خدیجه (س) چند سال قبل از هجرت از دنیا رفته بود؛ اما پیامبر اکرم (ص) در زمان حیات حضرت خدیجه (س) مسئله ولایت امیرالمؤمنین (ع)

۱. مجلسی، بحارالأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، ج ۱۶، ص ۸۱

۲. ابن هشام، سیره نبوی، ج ۱، ص ۲۴۹.

۳. واردی، سید تقی، نقش همسران رسول خدا در حکومت امیرمؤمنان، ص ۸۲.

را چنانکه نقلها روایت می کند به ایشان گوشزد می کنند و ایشان ولایت امیرالمؤمنین (ع) را می پذیرند و با ولایت امیرالمؤمنین (ع) از این دنیا می روند. چگونگی اعتراف و دفاع از ولایت حضرت امیرالمؤمنین (ع) حضرت خدیجه (س) بدین گونه است که هنگامی رسول خدا (ص) در غار حرا به رسالت مبعوث شد، پیامبر (ص) این امر الهی و بزرگ را با حضرت امیر (ع) و حضرت خدیجه (س) در میان گذاشت و آنان نخستین کسانی بودند که به حضرتش ایمان آوردند. رسول خدا (ص) فرمود: «ای علی و ای خدیجه به راستی که جبرئیل در نزد من است و از شما می خواهد که با من بیعت نمایید. پس اسلام بیاورید تا سالم بمانید و اطاعت کنید تا هدایت شوید.» آن دو عرض کردند بیعت نمودیم و اطاعت می نمایم ای پیامبر خدا. آنگاه رسول خدا (ص) خطاب به خدیجه (س) فرمود: «ای خدیجه! این علی است که مولای تو و مولای تمام مؤمنان است و پس از من پیشوای آنان خواهد بود. خدیجه در پاسخ پیامبر (ص) عرض کرد: تصدیق کردم ای رسول خدا (ص) همان طوری که فرمودی با او بیعت نمودم.»^۱ او با سنجیده گویی پاسخ داد: این حقیقت را گواهی می کنم و اینک بر این اساس با او بیعت می کنم و خدا و پیامبرش را بر استواری این انتخاب و بیعت، به گواهی می گیرم و می دانم که گواهی خدا بسنده است. بدین ترتیب خدیجه کبری (س) در سنین کودکی حضرت علی (ع) با ایشان به عنوان ولی خدا بیعت نمود. همان طوری که خدیجه (س) اولین مسلمان از زنان است. اولین فرد نیز بود که به ولایت علی (ع) نیز گردن نهاد؛ بنابراین سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه (س)، پذیرش ولایت حضرت علی (ع) و سعادت همراهی با وی در دفاع از حق و حمایت از پیامبر (ص) و سرانجام بیعت با علی (ع) به عنوان امیرمؤمنان به اشاره شخص پیامبر (ص) است. تأیید سیاسی رسول خدا (ص)

خدیجه (س) با همراهی پیامبر (ص) با قرائت نماز در کنار کعبه، جایگاه سیاسی و اجتماعی خود را به رُخ می کشید و حمایت عبادی و سیاسی خود را از ایشان اعلام می کرد.

عفیف می گوید: «در عصر جاهلیت به مکه آمدم تا برای خانواده ام از لباس ها و عطر آنجا خریداری نمایم. پیش عباس بن عبدالمطلب نزدیک کعبه رفتم که مردی تاجر بود ناگهان جوانی را دیدم که وارد مسجد الحرام شد و نظر خود را به آسمان افکند آنگاه رو به کعبه ایستاد. در حالی که یک نوجوان و یک زن هم به وی پیوستند و به نماز ایستادند و رکوع و سجود انجام می دادند. عباس گفت: آیا می دانی که این جوان کیست؟ گفتم: نه. گفت: این

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء و المناقب فی شرف سیدالانبياء و عترته الأطائب و طرف من تصریحه بالوصیه بالخلافه لعلی بن ابیطالب، ص ۱۱۸؛ مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الاطهار (ع)، ج ۱۸، ص ۲۳۳؛ واردی، نقش همسران رسول خدا، در حکومت امیرمؤمنان، ص ۸۳؛ «یا خدیجه هذا علی مولاک و مولی المؤمنین یا خدیجه هذا علی مولاک و مولی المؤمنین».

محمد بن عبدالله (ص) پسر برادر من است و آن نوجوان علی بن ابیطالب (ع) و آن زن هم خدیجه (س) دختر خویلد همسر آن جوان است و همانا پسر برادرم به من خبر داده که پروردگار او که پروردگار آسمان و زمین است وی را به این دینی که به آن عقیده دارد امر کرده است. به خدا سوگند که در روی زمین کسی بر این دین به جز این سه نفر نیست.^۱

آمر معروف و ناهی از منکر

یکی از اهداف مهم عبادی و سیاسی خدیجه (س) امر به معروف و نهی از منکر عرب جاهلی بود و از وقتی که به پیامبر اکرم (ص) ایمان آورد تا وقتی که رهسپار عالم آخرت گردید پا به پای همسر بزرگوارش در این راه قدم برداشت و در این مسیر چه محنت‌ها و مرارت‌ها که نکشید. اما برای این که به مقامی که خداوند برای آمرین به معروف و نهی‌کنندگان از منکر در نظر گرفته نائل شود همه این سختی‌ها را تحمل نمود و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نهراسید و خسته نشد.^۲

مبلغ عبادی و سیاسی

خدیجه (س) همواره پیامبر (ص) و کمالاتش را به مردم معرفی می‌کرد. چنانکه آورده‌اند که خدیجه (س) بعد از ازدواج فرمود: «بدانید که شأن محمد (ص) عظیم و بزرگ است و فضل او فراگیر و بخشش او زیاد...» آنگاه آنقدر پول و عطر به آن‌ها داد که آن‌ها را مات و مبهوت کرد.^۳ خدیجه (س) با عبارات کوتاه، مقام بلند رسالت پیامبر (ص) را به دیگران گوشزد می‌کرد و هر کجا که لازم می‌دید، با بیان گرم و شیوای خود، به تبلیغ از نبوت می‌پرداخت و جایگاه والا و بلندمرتبه پیامبر (ص) را برای مردم بیان می‌نمود.

نقش سیاسی خدیجه (س) در حمایت از نبی مکرم و تبلیغ رسالتش ظهور یافت؛ به طوری که رسول خدا (ص) در روایتی ایشان را «صدیقه امت اسلامی» نامید.^۴ بیانگر تأییدها و تصویب‌های خدیجه (س) به عنوان زنی برجسته و شخصیت سرشناس قریشی در پیشبرد اهداف اسلام است.

۱. نسائی، السنن الکبری، ج ۲۳، ص ۶؛ همان، ج ۵، ص؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۱۱؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۴۸۴.

۲. تهرانی، خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری، ص ۴۸۷.

۳. مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمة الاطهار (ع)، ج ۱۶، ص ۷۲.

۴. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۶۲.

نتیجه گیری

حضرت خدیجه (س) در دوران جاهلیت که برای زن جایگاهی در جامعه قائل نبودند. از موقعیت اقتصادی اجتماعی و سیاسی بسیار والایی برخوردار بود. ایشان از ثروت خود برای اشتغال و کارآفرینی بهره می برد و همچنین با داشتن ثروت و مقام بالا با پیامبر (ص) به ثروت و مقامی نداشت ازدواج کرد و در اولین اقدام خود تمام اموال خود را به پیامبر (ص) بخشید و در مرحله بعد دستور داد تا به تمامی مردم اعلام نمایند که ثروت و تمامی مایملک خدیجه به حضرت محمد (ص) تعلق دارد و از این طریق جایگاه اقتصادی و هم جایگاه سیاسی حضرت محمد (ص) را ارتقا داد و از طرف دیگر حضرت خدیجه (س) در طول حدود ۲۵ سال زندگی مشترک با حضرت محمد (ص) از جایگاه سیاسی خود نهایت استفاده را نموده و برای ترقی پیامبر (ص) و پیشبرد اهداف اسلام استفاده کرد.

منابع

• قرآن کریم

کتاب فارسی

۱. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۳ ه.ش)، فرهنگ معاصر (عربی - فارسی)، تهران: نشر نی.
۲. آقا نظری، حسن، (۱۳۹۶ ه.ش)، نظریه پردازی علمی اقتصاد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۳. آقایی، بهمن و بابایی، علیرضا، (۱۳۶۹ ه.ش)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر ویس.
۴. تهرانی، حسین، (۱۳۹۳ ه.ش)، خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری (س)، قم: طوبای محبت.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲ ه.ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۶. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵ ه.ش)، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب.
۷. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۶ ه.ش)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
۸. فدیر، لوئیس، (۱۳۶۴ ه.ش)، خودآموز اقتصاد، ترجمه: فیروزه خلعت بری، بی جا: شرکت شباویز.
۹. مرتضوی، سیدمحمد، (۱۳۸۴ ه.ش)، مروری بر نهج البلاغه، بی جا: خیرالبریه.
۱۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲ ه.ش)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۱۱. مهدی پور، علی اکبر، (۱۳۸۶ ه.ش)، سرچشمه کوثر ام المؤمنین خدیجه کبری (س)، قم: سیمای آفتاب.

۱۲. واردی، سیدتقی، (۱۳۸۸هـ.ش)، نقش همسران رسول خدا(ص) در حکومت امیرمؤمنان(ع)، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۳. هاشمی نژاد، اکرم سادات، (۱۳۸۷هـ.ش)، سرور زنان جهان أم المؤمنین، خدیجه کبری(ع)، تهران: نوآور.
۱۴. همدانی، رفیع الدین اسحاق، (۱۳۶۱هـ.ش)، سیرت رسول الله(ص)، تهران: خوارزمی.

کتاب عربی

۱۵. ابن اثیر جزری، عزالدین أبو الحسن علی بن محمد، (۱۹۸۹م)، أسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت: دارالفکر.
۱۶. ابن اثیر، علی بن محمد، (۲۰۰۴م)، الكامل فی التاريخ، بی جا: دارالکتب العربی.
۱۷. ابن جوزی، عبدالرحمن، (۱۴۲۶هـ.ق)، تذکره الخواص، قم: مجمع جهانی اهل بیت(ع).
۱۸. ابن حجر عسقلانی، (۱۴۱۲هـ.ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق علی محمد بجای، چاپ اول، بیروت: دارالجبل.
۱۹. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری، (۱۹۹۰م)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۰. ابن سیدالناس، ابو الفتح محمد، (۱۹۹۳م)، عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دارالقلم.
۲۱. ابن طاوس، علی بن موسی، (۱۳۷۸هـ.ش)، طرف من الأنباء و المناقب فی شرف سید الانبیاء و عترته الاطائب و طرف من تصریحه بالوصیه بالخلافه لعلی بن ابیطالب(ع)، تحقیق قیس عطار، مشهد: تاسوعا.
۲۲. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله، (۱۹۹۲م)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجای، بیروت: دارالجبل.
۲۳. ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۸هـ.ق)، البدایة و النهایة، بیروت: دارالفکر.
۲۴. ابن کثیر، علی بن محمد، (۱۳۸۵هـ.ق)، الكامل فی التاريخ، بیروت: دارصادر.
۲۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴هـ.ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۶. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، (۱۴۱۱هـ.ق)، السیره النبویه، تحقیق مصطفی سقا و ابراهیم آبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۷. ابو علم، توفیق، (بی تا)، فاطمه الزهرا(س)، چاپ پنجم، مصر: دارالمعارف.
۲۸. امینی، عبدالحسین احمد، (۱۳۷۹هـ.ق)، الغدیر فی کتاب و السنه و الادب، بیروت: دارالکتب العربی.

۲۹. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، (۱۴۱۳هـ.ق)، *علیه الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار(ع)*، تحقیق: غلامرضا مولانا البروجردی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۳۰. بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، (۱۴۰۱هـ.ق)، *صحیح بخاری*، بیروت: دارالفکر.
۳۱. بکری، احمد بن عبدالله، *الأنوار فی مولد النبی*، نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۳۲. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۸۰هـ.ش)، *انساب الاشراف*، تحقیق محمدباقر محمودی، بی جا، دارالتعارف للمطبوعات.
۳۳. حائری مازندرانی، محمد مهدی، (۱۳۸۵هـ.ق)، *شجره طوبی*، نجف: المكتبة الحیدریه.
۳۴. ذهبی، شمس الدین محمد، (۱۴۱۷هـ.ق)، *سیر أعلام النبلاء*، بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی تا)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بی جا: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
۳۶. زرقانی مصری مالکی، ابو عبدالله محمد بن عبدالباقی بن یوسف، (۱۴۱۷هـ.ق)، *شرح المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة(ص)*، تحقیق: محمد بن عبدالعزیز خالدی، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الأولى.
۳۷. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹م)، *اساس البلاغه*، بیروت: دارالصادر.
۳۸. سهیلی، عبدالرحمان، (۱۳۸۷هـ.ق)، *الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام*، تحقیق و تعلیق و شرح: عبدالرحمن الوکیل، قاهره: دارالکتب الإسلامیه سنه الطبع.
۳۹. سیلاوی، (۱۴۲۱هـ.ق)، *الانوار الساطعه*، قم: چاپخانه علمیه.
۴۰. شاهرودی، علی، (۱۴۱۹هـ.ق)، *مستدرک سفینه البحار*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۱. صاحب بن عباد، اسماعیل، (۱۴۱۴هـ.ق)، *المحیط فی اللغه*، به کوشش محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
۴۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، (بی تا)، *المعجم الکبیر*، تحقیق: حمدی عبدالحمید السلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیة.
۴۳. طبری، محب الدین، (۱۴۰۰هـ.ق)، *الریاض النضره فی مناقب العشره*، بی تا، دارالکتب العلمیه.
۴۴. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵هـ.ق)، *تاریخ الطبری*، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
۴۵. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۲هـ.ش)، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴هـ.ق)، *الامالی*، تحقیق: مؤسسه البعثه، قم: دارالتقافیه.
۴۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹هـ.ق)، *العین*، چاپ دوم، قم: هجرت.

۴۸. قزوینی، سیدمحمدکاظم، (۱۴۱۱هـ.ق)، فاطمه الزهرا(س) من المهد الى اللحد، بیروت: مؤسسه النور المطبوعات.
۴۹. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۳۷۰هـ.ش)، الخرائج و الجرائح، بی جا: مطبوعات دینی.
۵۰. قمی، عباس، (۱۴۲۷هـ.ق)، سفینه البحار، چاپ اول، تهران: دارالاسوه.
۵۱. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴هـ.ق)، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب.
۵۲. کتانی، سلیمان، (بی تا)، فاطمه الزهرا(س) و تر فی غمد، بی جا: مؤسسه الوفاء.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷هـ.ش)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۵۴. مامقانی، عبدالله، (۱۴۳۱هـ.ق)، تنقیح المقال، نجف: مطبعه رضویه.
۵۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۲۳هـ.ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار(ع)، بی جا، دارالتعارف للمطبوعات.
۵۶. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۸۵هـ.ش)، ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۷. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹هـ.ق)، مروج الذهب، قم: مؤسسه دارالهجره.
۵۸. نسائی، أبی عبدالرحمن احمد بن علی بن شعیب، (۱۴۱۱هـ.ق)، السنن الکبری، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۹. نویری، شهاب الدین، (۱۳۶۴هـ.ق)، نهایه الأرب فی فنون الإدب، قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیه.
- مقاله
۶۰. کاظمی، سیدآصف، «تأثیر سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه(س) در شکل گیری و گسترش اسلام»، دانش پژوه دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، مجتمع امام خمینی(ره)
۶۱. گلی زواره، غلامرضا، «بازخوانی برخی فضائل حضرت خدیجه کبری(س)»